مجله علمی پژوهش درعلوم انسانی ومطالعات اجتماعی، شماره ۲۴، تابستان ۱۴۰۰جلد۱، ص۱۴-۶
http://www.jhss.ir

بررسی سیاست های شورای همکاری خلیج فارس در رابطه با مسئله اختلافات ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر سه گانه خلیج فارس دوره زمانی :ریاست جمهوری حسن روحانی

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی ومطالعات اجتماعی (سال هفتم)
شماره۲۴ / تابستان ۱۴۰۰ / ص۱۴-۶

اسد امیری کیان[1]

نویسنده مسئول:
اسد امیری کیان

چکیده

شورای همکاری خلیج فارس یک اتحادیه منطقه ای در جنوب غرب آسیا و متطقه شبه جزیره عربستان است که از شش کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، قطر و عمان تشکیل یافته است .امارات متحده عربی متشکل از ۶ امیرنشین به نامهای ابوظبی-شارجه-عجمان-راس الخیمه ودوبی است. امارات متحده عربی از گذشته های دور درگیر یک جدل سرزمینی جدی با ایران بر سر جزایر سه گانه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بوده و هست. البته به دلیل ضعف نظامی این کشور در مقایسه با ایران، امارات هیچگاه در اندیشه تقابل نظامی با ایران (بر سر حاکمیت جزایر سه گانه) نبوده و تلاش کرده تا این موضوع را از طریق نهادهای بین المللی پیگیری کند. از سوی دیگر ، با توجه به این که در نظم نوین جهانی کنونی کشورها برای پیشبرد منافع ملی واهداف خود نیازمند روابط نزدیک به خصوص در سطح منطقه ای هستند، به ویژه اینکه شورای همکاری به دلیل پوشش دادن تمامی حوزه جنوبی کشور و مسایل استراتژیکی – سیاسی و اقتصادی برای ایران اهمیت وافری دارد. بنابراین شناخت فرصت ها و چالش ها تاثیر گذار بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا نقش مهمی در درروابط دو طرف و پیشبرد اهداف و تامین منافع ملی دارد. . ما در این پژوهش به بررسی چالش ها ی موجود در روابط بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس وبه ویژه ادعای امارات درباره جزایر سه گانه ایران می پردازیم.نتایج تحقیق نشان داد کهامارات متحده عربی از گذشته های دور درگیر یک جدل سرزمینی جدی با ایران بر سر جزایر سه گانه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بوده و هست . سران شورای همکاری در بیانیه های اجلاس سالانه خود بر تعلق جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) به امارات متحده عربی تأکید و نسبت به حاکمیت ایران بر این جزایر اعتراض داشتند. این در حالی است که ایران این جزایر را جزء لاینفک قلمرو سرزمینی و حاکمیت خود میداند و اقدام شورای همکاری را خلاف قوانین بین-المللی و حسن همجواری میداند؛ ایران با نگرش به اینکه دشمن اصلی جهان اسلام، رژیم اشغال گر قدس است، مخالف روند صلح اعراب و اسرائیل در این دوره بود. ایران با نگرش به اینکه امنیت منطقه ای خلیج فارس باید به دست دولتهای محلی خلیج فارس ایجاد و تأمین شود، مخالف هرگونه دخالت و حضور قدرتهای فرامنطقه ای در خلیج فارس است.

واژه های کلیدی : شورای همکاری خلیج فارس، ایران، امارات متحده عربی، جزایر سه گانه خلیج فارس

۱- مقدمه

شورای همکاری خلیج فارس یک اتحادیه منطقه ای در جنوب غرب آسیا و متطقه شبه جزیره عربستان است که از شش کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، کویت، بحرین، قطر و عمان تشکیل یافته است .امارات متحده عربی متشکل از ۶ امیرنشین به نامهای ابوظبی-شارجه-عجمان-راس الخیمه ودوبی است.به لحاظ اندازه ای، این کشوردر میان مجموعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کشوری متوسط به حساب می آید و از ۳ میلیون نفر جمعیت این کشور نزدیک به ۸۰ درصد آن را اتباع کشورهای خارجی تشکیل می دهند. (Terrill 2006:55) همچنین امارات متحده عربی به دلیل در اختیار داشتن منابع قابل توجه نفتی، کشوری ثروتمند محسوب می شود و بویژه در سالهای اخیر، سرمایه گذاران خارجی (از جمله سرمایه گذاران ایرانی) سرمایه گذاریهای وسیعی را در این کشور بویژه در امیرنشین دوبی انجام داده اند. نکته ای که در مورد امارات متحده عربی باید به آن اشاره کرد این است که به دلیل حضور پررنگ اتباع خارجی و سرمایه هایشان در این کشور، موضوع امنیت امارات برای دولتهای اروپایی و آمریکا بسیار حائز اهمیت است.امارات متحده عربی از گذشته های دور درگیر یک جدل سرزمینی جدی با ایران بر سر جزایر سه گانه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بوده و هست. البته به دلیل ضعف نظامی این کشور در مقایسه با ایران، امارات هیچگاه در اندیشه تقابل نظامی با ایران (بر سر حاکمیت جزایر سه گانه) نبوده و تلاش کرده تا این موضوع را از طریق نهادهای بین المللی پیگیری کند.(Hostiner 2009:198) .لذا با توجه به این که در نظم نوین جهانی کنونی کشورها برای پیشبرد منافع ملی واهداف خود نیازمند روابط نزدیک به خصوص در سطح منطقه ای هستند، به ویژه اینکه شورای همکاری به دلیل پوشش دادن تمامی حوزه جنوبی کشور و مسایل استراتژیکی – سیاسی و اقتصادی برای ایران اهمیت وافری دارد. بنابراین شناخت فرصت ها و چالش ها تاثیر گذار بر روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا نقش مهمی در درروابط دو طرف و پیشبرد اهداف و تامین منافع ملی دارد . ما در این پژوهش به بررسی چالش ها ی موجود در روابط بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس وبه ویژه ادعای امارات درباره جزایر سه گانه ایران می پردازیم.

۲-ادبیات و پیشینه تحقیق

دکتر اصغر جعفری ولدانی در سال ۱۳۸۸ در کتاب کانون های بحران در خلیج فارس به بررسی موضوعات مناقشه برانگیز در خلیج فارس مثل اختلافات ارضی و مرزی در کشورهای این حوزه و همچنین در مورد اختلافات و ادعای امارات نسبت به جزایر سه گانه را مورد بررسی قرار داده است. در این تحقیق سعی شده که به صورت مفصل علاوه بر این چالش‌ها به چالش ها و واگرایی های اخیر نیز پرداخته شود.

طاهره ابراهیمی فر، در سال ۱۳۸۱در کتاب الگوهای اعتماد سازی در منطقه خلیج فارس به بررسی اعتماد سازی ضرورت و موانع آن پرداخته است. کتاب در هشت فصل به بحث و نتیجه گیری و ارائه راهکار برای ایجاد اعتماد بین کشورهای منطقه اشاره می‌کند. ولی این کتاب در برگیرنده تمام مولفه‌ها نمی باشد، و بیشتر به عوامل منطقه‌ای تاکید دارد و عوامل فرامنطقه‌ای را مورد مطالعه قرار نداده است. در این پژوهش سعی شده است تا به صورت جامع به بررسی عوامل مختلف در بعد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بپردازیم.

بهمن نعیمی در کتاب هود با عنوان مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران، اصرفا به بحث زمینه شکل گیری، اهداف، محدودیت ها و سیاست های شورای همکاری خلیج فارس در قبال جمهوری اسلامی ایران و عراق پرداخته است. در این تحقیق نه تنها به این موضوعات پرداخته شده بلکه به طور جامع این مسایل را بررسی می کنیم و آثار آن را در روابط آن می سنجیم.

همایون الهی درسال ۱۳۸۶در کتاب خود به نام خلیج فارس و مسابل آن، سوابق حضور ایران در خلیج فارس را بررسی کرده است. همچنین در این کتاب به بررسی زمینه های مداخله کشورهای غربی در منطقه پرداخته و به چگونگی تشکیل شورای همکاری خلیج فارس نیز اشاره دارد. ولی در این کتاب به بررسی علل و عوامل واگرایی و همگرایی بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس نپرداخته است که در این پژوهش با آن اشاره می شود.

کتاب های مذکور به بررسی روابط بین ایران و شورای همکاری خلیج فارس بپردازد. کتاب های مذکور جزء بهترین کتاب ها در زمینه مناسبات ایران و شورا هستند. لذا در این پژوهش سعی شده، علاوه بر بیان عوامل موثر اشاره شده در این کتاب ها، عوامل موثر در روابط طرفین که در این منابع اشاره نشده، در یک جلد در اختیار علاقه مندان قرار گیرد.

۳-مبانی نظری تحقیق

۳-۱- خلیج فارس و اهمیت سوق الجیشی آن

خلیج فارس یکی از مناطق مهم بین المللی و سوق الجیشی جهان است که به وسیله تنگه هرمز با دریای عمان و اقیانوس هند مرتبط می شود. این موقعیت جغرافیایی در طول تاریخ نقش ارتباطی و بازرگانی مهمی را در میان اروپا، جنوب و جنوب شرقی آسیا به عهده داشته است. پیدایش نفت در حوزه های نفتی و فلات قاره این منطقه از جهان همزمان با حاکمیت انگلستان بر خلیج فارس بود و به عنوان ماده اصلی موتور صنایع، محرکه حمل و نقل در اروپا به کارآمد. این موجب افزایش اهمیت این منطقه در جهان شد، به طوری که منافع حیاتی، نظامی و اقتصادی آمریکا و غرب نیز در حال حاضر وابسته به دستیابی آزادانه به عظیم ترین منافع نفتی در این منطقه می باشد.

کشورهای نزدیک به هم از نظر جغرافیایی غالبا ارتباط سیاسی دو جانبه را شکل می دهند و سیاست خارجی آن ها به شدت از همسایگانشان تاثیر می‌پذیرد. این تاثیرپذیری بیشتر بر اساس وضعیت طبیعی، ماهیت ارتباطات، و ساختار روابط بین آن ها شکل می‌گیرد. بنابراین ویژگی‌های مشترک جغرافیایی زیرساخت رفتارهای همگرایی منطقه ای را تشکیل می دهد(حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۷۳-۶۱).

این زمینه ها نوعی همگرایی منطقه ای را به وجود می‌آورد و به معنای درهم آمیزی اقتصادی، سیاسی و استراتژیک کشورها در منطقه که زمینه یکپارچگی است را فراهم می‌کند. در چنین منطقه ای چنانچه چند قطب مدعی قدرت وجود داشته باشد بیشترین رقابت بین قطب‌هایی شکل می‌گیرد که از توازن نسبی ژئوپلیتیک برخوردارند. چنانچه این رقابت‌ها عمیق شده و مانع از مصالح منطقه ای شود، منافع منطقه ای کشورها را با چالش مواجه ساخته و کارکردهای موثر آن را تضعیف می‌کند.

در منطقه غیر منسجم ساختاری که تضادها و تعارض ها گسترش می یابند، هر چند روابط دوجانبه در حوزه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ممکن است بین اجزا وجود داشته باشد، ولی الگوهای مناقشه گسترش یافته و فضای بحرانی بر منطقه حاکم می‌شود.

در این گونه مناطق شکاف‌های ایجاد شده بین اجزا و دولت‌های منطقه ای فرصت های مناسبی را برای بازیگران مداخله گر منطقه ای و فرامنطقه ای فراهم می کند. بر هر اندازه نظام های منطقه ای انسجام و قدرت بیشتری داشته باشند، میزان مداخله فاکتورهای فرامنطقه ای کمتر و ستیز نیز ضعیف تر می‌شود.

منطقه خلیج فارس با امکانات اقتصادی و ژئوپلیتیکی شگرفی که دارد، نمی‌تواند نسبت به چالش‌های حیاتی موازنه های ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی نادیده انگاشته شود. حداقل دو نیروی اصلی ایجاد اتحاد میان کشورهای هم کرانه در خلیج فارس را تشویق می‌کند: اول شرایط تازه جهانی که گروه بندی منطقه ای را تکلیف می‌کند و دوم ضرورت‌های منطقه ای که اولویت منافع ملی و منطقه ای بر مصالح ژئوپلیتیک قدرت های فرامنطقه ای را مطرح می کند(مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۳۸).

موقعیت خلیج فارس به گونه ای است که این منطقه را به محل تلاقی نیروهای متضادی بدل ساخته است. وجود فرقه های عمده شیعه و وهابی در ایران و عربستان عامل پیدایش و تقویت ایدئولوژی های متعارض بنیادگرا و ناسیونالیست قومی در منطقه شده است، که زمینه واگرایی را فراهم می کند. تحولات بزرگ سال های اخیر در سطح منطقه و وجود اشتراکات بین ایران و کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس به ویژه پس از سقوط طالبان و صدام حسین در عراق، گام برداشتن به سوی همکاری متقابل در جهت مسایل مهم منطقه ای همراه با رفع عوامل تنش زا و احساس اعتمادسازی میان دو کشور می‌تواند چارچوب مشخصی را برای همگرایی منطقه ای ارایه دهد.علی رغم مشترکات فرهنگی و مجاورت جغرافیایی کشورهای منطقه خلیج فارس و نیز اقدامات سیاسی و دیپلماتیک متعدد این کشورها، برای حسن همجواری و همکاری، عوامل و موانع متعددی سبب واگرایی آن ها در ابعاد سیاسی و اقتصادی گردیده است.دیدگاههای ایران در مورد عدم دخالت قدرت های بزرگ در منطقه، و نقطه نظر عربستان که در جستجوی امنیت منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس، از طریق قدرت های فرامنطقه ای بوده است، نگرش های متفاوتی را در موضع طرفین باعث شده است.

۳-۲-مهمترین دلایل شکل گیری شورای همکاری

۱-وقوع انقلاب اسلامی ایران و ایجاد کمربند دفاعی ـ امنیتی در برابر نفوذ و صدور انقلاب ایران به کشورهای جنوبی خلیجفارس، یکی از مهمترین دلایل شکلگیری شورای همکاری بود .حکام و شیوخ کشورهای عربی خلیج فارس، انقلاب اسلامی ایران را تهدید برای بقا و موجودیت حکومت خود و امنیت قلمرو تحت حاکمیت خود تفسیر می کردند. بر این اساس در ابتدای دهه 1980و اندکی پس از انقلاب اسلامی ایران، شورای همکاری را به وجود آوردند .وقوع انقلاب اسلامی ایران و شکل گیری شورای همکاری خلیج فارس در نیمه دوم سده بیستم در منطقه هسته مرکزی جهان اسلام باعث تنشها و چالشهای سیاسی و ژئوپلیتیکی زیادی میان این دو قلمرو اصلی جهان اسلام شد.

در دوره ریاست جمهوری آقای رروحانی فضای تحریمی علیه ایران منافع ریز و درشتی را برای شورای همکاری تأمین میکرد که مهمترین آنها عبارت بودند از :تحریم صادرات نفت ایران (تحریم شرکت نفتکش ایران، تحریم شرکتهایی که نفتکشهای ایران را بیمه کنند، تحریم مبادلات ارزی با ایران)، زمینه عرضه و فروش نفت بیشتر از سوی شورای همکاری و بهویژه عربستان سعودی را در بازارهای جهانی فراهم کرد، که این موضوع علاوه بر تأمین منافع بیشتر شورای همکاری به تضعیف ایران و از دست دادن سهمیه صادراتی نفت ایران در بازارهای جهانی منجر میشد؛ تحریم شرکتهای سرمایه گذار در صنایع نفت و گاز ایران باعث کاهش تولید نفت ایران و عدم سرمایه گذاری و بهره برداری مناسب ایران در میدانهای مشترک نفت و گاز با گشور های حوزه خلیج فارس می شد. به طور مثال فقط در حوزه میدان گازی مشترک ایران و قطر (میدان پارس جنوبی) ایران در مسئله سرمایه گذاری و استحصال گاز، ۱۲ سال از قطر عقب مانده است؛ فضای محدودشده بی نالمللی ایران در وضعیت تحریم و فشار بر ایران، زمینه بهتری برای گسترش نقش بی نالمللی منطقه ای کشورهای شورای همکاری، به ویژه عربستان، قطر و امارات متحده عربی فراهم میکرد؛ در فضای تحریم علیه ایران و القای ایرا نهراسی، سران شورای همکاری، زمینه مناسبی برای طرح ادعای امارات متحده عربی در خصوص جزایر سه گانه در مجامع بین المللی میدیدند؛ در دوره تحریم ایران و القای ایرا نهراسی، صنعت هواپیمایی (ایرلاینها و خدمات پروازی) و صنایع گردشگری امارات متحده عربی و قطر در خلأ فعالیتها و نیاز فضای ایران به شدت رشد کرد .پس از آنکه ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای ایران بعد از توافق برجام بر همگان و از جمله کشورهای شورای همکاری آشکار شد، به نظر میرسد مخالفت شورای همکاری با برجام و دوره پس از توافق، ماهیت برنامه هسته ای ایران نباشد، بلکه منافع زیادی که آنان از طریق این توافق از دست داده اند مسئله اساسی برای مخالفت آنان است.

۳-۳-دیدگاه جمهوری اسلامی ایران

با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سیاستهای منطقه ای خود، تکیه بر نیروی نظامی و سیاست وابستگی به غرب را کنار گذاشت. این تغییرات موجب تغییر دیدگاه های ایران در مورد امنیت منطقه خلیج فارس شد. تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت خلیج فارس مخالفت با هرگونه حضور نیروهای فرامنطقه ای در آن و حمایت از همکاری های امنیتی منطقه ای است.این موضوع به ویژه در مخالفت با حضور آمریکا در منطقه تحقق می پذیرد(marschal,2003: 151)

ایران همواره اتکا به خود و منطقه گرایی تاکید کرده و امیدوار بود از طریق استراتژی همکاری با شورای همکاری خلیج فارس موجب کاهش وابستگی خارجی شورا و اتکای ان به خارج و به ویژه به امریکا شود. اما شکل گیری بحران روابط ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی در اوریل و اوت ۱۹۹۲ و پیمان های نظامی امنیتی همسایگان ایران با آمریکا ضربه ای بر تلاشهای همگرایانه امنیتی ایران به شمار می رفت. هدف سیاست خارجی ایران و راهبرد تسلیحاتی آن مبتنی بر دو هدف یعنی ایجاد امنیت ملی و منطقه ای و توسعه بوده است. از سوی دیگر تنظیم این اهداف همواره تحت تاثیر واقعیت های ژئوپلیتیک و جهت گیری های ایدئولوژیک است و همواره سعی بر آن است که با یکدیگر در تعادل باشند(برزگر، ۱۳۸۶: ۷۰). بنابراین با توجه به این شرایط راهبرد تسلیحاتی ایران دفاعی و نه تهاجمی تنظیم شده است.

۴-امارات متحده عربی و ادعای امارات نسبت به جزایر سه گانه ایران

امارات متحده عربی متشکل از ۶ امیرنشین به نامهای ابوظبی-شارجه-عجمان-راس الخیمه ودوبی است.به لحاظ اندازه ای، این کشوردر میان مجموعه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس کشوری متوسط به حساب می آید و از ۳ میلیون نفر جمعیت این کشور نزدیک به ۸۰ درصد آن را اتباع کشورهای خارجی تشکیل می دهند. (Terrill 2006:55) همچنین امارات متحده عربی به دلیل در اختیار داشتن منابع قابل توجه نفتی، کشوری ثروتمند محسوب می شود و بویژه در سالهای اخیر، سرمایه گذاران خارجی (از جمله سرمایه گذاران ایرانی) سرمایه گذاریهای وسیعی را در این کشور بویژه در امیرنشین دوبی انجام داده اند. نکته ای که در مورد امارات متحده عربی باید به آن اشاره کرد این است که به دلیل حضور پررنگ اتباع خارجی و سرمایه هایشان در این کشور، موضوع امنیت امارات برای دولتهای اروپایی و آمریکا بسیار حائز اهمیت است.

امارات متحده عربی از گذشته های دور درگیر یک جدل سرزمینی جدی با ایران بر سر جزایر سه گانه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بوده و هست. البته به دلیل ضعف نظامی این کشور در مقایسه با ایران، امارات هیچگاه در اندیشه تقابل نظامی با ایران (بر سر حاکمیت جزایر سه گانه) نبوده و تلاش کرده تا این موضوع را از طریق نهادهای بین المللی پیگیری کند.(Hostiner 2009:198)

امارات متحده عربی به دلیل ضعف توان دفاعی اش و همچنین ناامیدی از توان کمکی کشورهای عضو شورای همکار ی خلیج فارس، همواره ازحضور نظامی آمریکا در خاک خود استقبال کرده و این حضور را در راستای افزایش توان دفاعی خود در مقابل تهدیدات احتمالی ارزیابی کرده است. (Degang 2010:49) با توجه به تمایل این کشور برای میزبانی پایگاههای نظامی آمریکا ایالات متحده، از ابتدای قرن ۱۹ ساخت پایگاههای نظامی در خاک این کشور را آغاز کرده است که از جمله آنها می توان به پایگاه هوایی الدرفا[1] در نزدیکی ابوظبی و استقرار ۱۵۰۰ سرباز آمریکایی در این پایگاه اشاره کرد.پایگاهی که در حقیقت مرکز فرماندهی نیروی هوایی آمریکا در منطقه و محل اصلی آموزش های خلبانی است.(Degang 2010:57) نکته ای که در اینجا بایستی به آن اشاره کرد این است که ایالات متحده آمریکا و امارات متحده عربی به شدت به یکدیگر احتیاج دارند. از یک سو امارات به آمریکا به عنوان بازیگری مهم جهت موازنه قدرت ایران و ایجاد بازدارندگی در مقابل این کشور نگاه می کند و در سوی دیگر آمریکا به امارات به عنوان جبهه اصلی دفاع از خلیج فارس در مقابل تهدیدات احتمالی ایران نگاه می کند.

روابط دفاعی-امنیتی امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا با شروع جنگ موسوم به جنگ نفت کشها میان ایران و عراق آغاز شد و سپس و به دنبال تهدید امارات از سوی صدام در سال ۱۹۹۰ این کشور در جولای ۱۹۹۰مانور نظامی مشترکی با آمریکا برگزار کرد. در ادامه و در طول جنگ اول خلیج فارس امارات متحده عربی کمک های بسیاری را برای نیروهای متفق فراهم آورد[2] و همراه با کویت یک گردان هوایی مشترک تاسیس کرد گردانی که در طول نبرد صدمات بسیاری را به نیروهای ارتش عراق وارد آورد.در سال ۱۹۹۴ امارات یک توافقنامه دفاعی –امنیتی مشترک با آمریکا به امضا رساند. به موجب آن به نیروهای آمریکایی اجازه استفاده از پایگاهها و امکانات دریایی و هوایی خود در پایگاههایی مانند پایگاه جبل علی و فجیره را داد.(Deutsche Press Agentur 1994) نکته بسیار مهمی که در اینجا بایستی به آن اشاره کرد اهمیت بسیار بالا و ویژه پایگاه فجیره برای آمریکا در منطقه خلیج فارس است چرا که ایلات متحده می تواند از طریق این پایگاه و با عبور از یک اتوبان تازه تاسیس فوق مدرن بدون عبور از تنگه هرمز یعنی تنگه ای که تحت کنترل کامل ایران است به تاسیسات خود در کشورهای جنوبی حاشیه خلیج فارس دست پیدا کند. نکته دیگر آنکه پایگاه جبل علی نیز نقش مهمی در حمایت لجستیکی از ارتش آمریکا در جریان دو نبرد در افغانستان و عراق داشته است.(Cordesman 1998:9)

در سال ۱۹۹۶ ایالات متحده یک پیمان دفاعی جدید با امارات امضا کرد که به این کشور اجازه استفاده از پایگاههای هوایی مستقر در امارات را می داد. و در ادامه و به دنبال جنگ آمریکا در افغانستان و سپس عراق در سال ۲۰۰۳ آمریکا نسبت به ساخت یک پایگاه لجستیکی در امارات اقدام کرد. (Lefebvre 2003:188) در سال های اخیر، روابط دفاعی-امنیتی امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا رشد بسیار خوبی داشته است و ایالات متحده تجهیزات نظامی بسیار پیشرفته ای را در اختیار این کشور قرار داده است و نسبت به نوسازی پایگاههای خود در این کشور و مجهز کردن آنها به تجهیزات پیشرفته تر اقدام کرده است. از جمله این اقدامات می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) اعلام باراک اوباما رئیس جمهور ایالات متحده مبنی بر قصد این کشور برای فرستادن ۸۰ جنگنده هوایی اف-۱۶ به امارات و همچنین تجهیز نیروی نظامی این کشور به موشکهای آنتی بالستیک با برد طولانی

۲) اعلام ژنرال پترائوس در سال ۲۰۱۰ مبنی بر ارسال دو عدد موشک پاتریوت (Pac3) به امارات و همچنین تکمیل پروژه دفاع ضد موشکی این کشور در جهت ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران تا ماه جولای سال ۲۰۱۰(Degang 2010:49&58)

افزون بر مواردی که در بالا به آن اشاره شد امارات متحده عربی حمایت های دریایی سودمندی را از نیروی دریایی آمریکا در منطقه بعمل می آورد که از نمونه های آن می توان به پهلو گرفتن چندین کشتی آمریکایی در بندر جبل علی این کشور اشاره کرد.(Terrill 2006:60) در مجموع می توان گفت که امارات متحده، نگرانی های امنیتی متعددی از جمله تهدید احتمالی ایران و احتمال تسری بی ثباتی ها و ناامنی های عراق به خاک خود را دارد و برای مقابله با این تهدید ها به کمک آمریکا نیاز دارد. در مقابل، آمریکا نیز به امارات متحده به چشم شریک امنیتی قابل اطمینان جهت ایجاد بازدارندگی در مقابل ایران –مقابله با فعالیتهای تروریستی در منطقه و همچنین قاچاق مواد مخدر نگاه می کند و در سال های اخیر کمک های نظامی ارزشمندی را به منظور تقویت توان دفاعی امارات به این کشور ارائه داده و نسبت به تقویت پایگاههای خود در این کشور اقدام کرده است.

نکته نهایی که دراینجا بایستی به آن اشاره شود این است که در سالهای اخیر امارات متحده عربی نسبت به برقرار روابط نظامی با بسیاری از کشورهای اروپایی نیز اقدام کرده است برای نمونه در ژانویه سال ۲۰۰۸ امارات توافقنامه ای را با دولت فرانسه امضا کرد که به فرانسه اجازه

[1] Al-Dharfa

[2] حجم کمک های مالی امارات به نیروهای متفق و بویژه نیروهای امریکایی در این دوره بالغ بر ۶/۵۷ بیلیون دلار تخمین زده شده است.

استفاده از پایگاه هایی نظیر بندر زاید[3] و کمپ نظامی ابوظبی را می داد.افزون بر این در اکتبر سال ۲۰۱۰ امارات همکاری های نظامی گسترده ای را با دولت کانادا آغاز کرده است.(Katzman 2011:9)

با روی کار آمدن حسن روحانی، رئیس جمهوردولت یازدهم ایران در خرداد ۱۳۹۲ و طرح گفتمان حل پرونده هستهای ایران از طریق مذاکره و مفاهمه و تبیین سیاست خارجی ایران از سوی رهبری ایران با عنوان «نرمش قهرمانانه» ایران در برابر قدرتهای جهانی، زمینه گفتگوهای گسترده میان ایران و قدرتهای جهانی باز شد. ایران که از طریق مذاکره در سالهای ۱۳۸۲ با کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس (تروئیکا) و در سال ۱۳۸۹ با وساطت ترکیه و برزیل به دنبال راهحلی برای عادی سازی پرونده هسته ای خود بود و در هر بار از سوی ایالات متحده امریکا با کارشکنی و مشکلات جدی مواجه شده بود، تصمیم گرفت که مستقیم با ایالات متحده امریکا مذاکره کند .پس از انقلاب اسلامی برای نخستین بار وزیر امور خارجه ایالاتمتحده، جان کری، به صورت رسمی با وزیر امور خارجه ایران، محمدجواد ظریف و در قالب مذاکرات هستهای ایران با گروه ۱۵۴ /واکاوی چالشهای ژئوپلیتیکی رابطه شورای همکاری خلیجفارس با جمهوری اسلامی ایران 5+1 ... در حاشیه پنجاه و هشتمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در نیویورک در ۵ مهرماه ۱۳۹۲ دیدار کردند و در خصوص مسائل هستهای ایران بحث و تبادلنظر کردند ,2013) .) Guardianاین شروع یک دوره از گفتگوهای طولانی و فشرده بین ایران و گروه ۵+۱ بود که اصلیترین نشستهای آن در شهرهای ژنو (۲۴ و ۲۵ مهر ۱۳۹۲ ،لوزان)دو دور گفتگو از ۲۵ اسفند ۱۳۹۳ تا ۱۳ فروردین ۱۳۹۴ و رسیدن به یک تفاهمنامه برای رسیدن به برنامه جامع اقدام مشترک) و درنهایت مذاکرات وین در هتل کوبورگ (از ۶ تیرماه تا ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴) برگزار شد که در دور نهایی مذاکرات پس از ۱۷ روز مذاکره و به طول کلی بعد از ۲۲ ماه مذاکره، طرفین به یک توافقنامه «برنامه جامع اقدام مشترک» موسوم به «برجام» رسیدند .در طول این مذاکرات، پذیرش ایران به عنوان طرف گفتگو و مذاکره مستقیم ایران با قدرتهای جهانی و به ویژه ایالات متحده امریکا چیزی نبود که خوشایند کشورهای شورای همکاری خلیج فارس باشد. در طول این مذاکرات، بارها ایران به عنوان یک قدرت منطقه ای از سوی مذاکره کنندگان غربی معرفی شد و این مسئله به عنوان نشانه هایی از پذیرش ایران در عرصه بین المللی به عنوان قدرت برتر در خلیج فارس و منطقه خاورمیانه از سوی قدرتهای جهانی بود .امری که نگرانیهای امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس را تشدید کرد و منجر به افزایش هزینه های نظامی از سوی این کشورها از یکسو و تشدید کارشکنی این کشورها در عدم دستیابی به یک راه حل سیاسی در تحولات سوریه و همچنین تشدید اختلافات مذهبی در منطقه از سوی دیگر شد. به رغم تلاشهای دیپلماتیک دائمی ایران برای متقاعد ساختن سران خلیج فارس، نسبت به صلح آمیز بودن برنامه هسته ای ایران، مقامات عربی با ابهام و تردید در این خصوص می نگرند. ازاینرو، فارغ از نظامی یا غیرنظامی بودن برنامه هسته ای ایران، دغدغه اصلی دولتهای خلیج فارس به پیامدهای پیشرفت ایران در برنامه هسته ای، ولو در ابعاد غیرنظامی، برای توازن قدرت منطقهای مربوط است. (هرسیچ و همکاران، ۱۳۹۳ :۲۲)

۴-۱-منازعات مرزی سرزمینی(ادعای امارات نسبت به جزایر ایران!)

مهمترین اختلاف مرزی ایران با کشورهای جنوبی حوزه خلیج فارس به ادعاهای سرزمینی امارات متحده عربی نسبت به جزایر ایرانی تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی می‌باشد. جزایر به لحاظ تاریخی بخشی از قلمرو ایران محسوب می‌شوند اما در سده نوزدهم و اوایل قرن ۲۰ بریتانیا تعدادی از جزایر ایران در خلیج فارس را مستقیماً و یا از طریق حکومت امارات تحت اشغال درآورد(مجتهد زاده،۱۳۷۵: ۴۳). مسئلهٔ جزایر اشغال شده توسط انگلیس که از سال ۱۸۹۱ تا دههٔ ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ یعنی تا زمان خروج نظامیان انگلیس ادامه داشت. این دوران همزمان با استقلال کشورهای جنوبی خلیج فارس بود. در این زمان ایران حل مسئلهٔ بحرین و شناسایی شیعه‌نشین‌های حاشیهٔ جنوبی را منوط به حل مسألهٔ جزایر سه گانه قرار داد و بالاخره در نوامبر ۱۹۷۱ پس از مذاکرات ایران با انگلیسی نیروی نظامی ایران وارد جزایر سه گانه شد(اسدی، ۱۳۸۱: ۱۹۱).

این امر موجب اتخاذ سیاستهای ضد ایرانی شد که پس از انقلاب بر روابط طرفین تأثیرگذار بوده است. لازم است به این نکته اشاره شود که دلایل متعددی برای اثبات حاکمیت ایران به این جزایر وجود دارد که از مهمترین آن‌ها نقشه هایی است که توسط خود بریتانیا تهیه شده که در آن جزایر جز قلمرو ایران نشان داده شده است.

در این اختلاف سه عامل نیرومند قابل تشخیص است ۱- علاقه به پروراندن هویت ملی و ابراز آن در منطقه از سوی امارات ۲- سوء تفاهم مداوم و فزاینده میان دو طرف که ناشی از تلاش برای ایجاد نهادی عربی در برابر گسترش نفوذ ایران در منطقه خلیج فارس است ۳- عاملی که از واقعیتهای منطقه‌ای است ناشی از میل به ایجاد کنترل استراتژیک و یا ناشی از رعایت مصلحت های قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاصل می‌شود. همانند ایجاد تنش و یا تشدید کشمکش سرزمینی برای توجیه حضور نظامی خارجی در منطقه (مجتهد زاده۱۳۷۶: ۶۳).

[3] Zayid

جمهوری اسلامی ایران خواهان برطرف شدن سوء تفاهم از طریق گفتگوی مستقیم و دو جانبه در چارچوب یادداشت تفاهم ۱۳۵۰ مبنی بر حاکمیت ایران به این جزایر می‌داند و ادعای امارات نسبت به جزایر واهی است، در حالیکه امارات نیز معتقد است که هر گونه گفتگو می‌بایست راه حلی را براساس بازگرداندن این جزایر به حاکمیت امارات پیدا کند.

از عوامل داخلی تأثیرگذار در این جهت گیری شورا می‌توان به نقش دشمن تراشی در ایجاد یکپارچگی ملی و حفظ آن دانست، زیرا که وجود یک دشمن خارجی مشترک در جهت حفظ یکپارچگی فدراسیون همواره مدنظر آن‌ها بوده است. با ایجاد بحران جزایر سه گانه ایجاد دشمن خارجی مشترک به عنوان عامل وحدت فدراسیون و عامل دولت ـ ملت سازی پیدا شده است. در امارات مسئلهٔ جزایر به عنوان نمادی از چالش ارضی برای عمر یک ملیت است. (Mojtahed-zadeh, 2006,42).

کشورهای فرامنطقه‌ای تأثیرگذار در مسئلهٔ جزایر می‌توان به انگلیس و آمریکا اشاره کرد که با دامن زدن به این اختلاف حضور خود را در منطقه تثبیت می‌کنند.

آمریکا به دلیل مخالفت با ایران موضع مناسبی در رابطه جزایر نگرفته است. آن‌ها به طور تلویحی از امارات حمایت می‌کنند. دولت‌های منطقه نیز مثل عربستان و شورای همکاری به حمایت از این ادعاها می‌پردازد. شورای همکاری همواره یکی از حامیان اصلی آن کشور و بانی گسترش و بین‌المللی کردن بحران جزایر بوده است ازاوت ۱۹۹۲ که بحران جزایر شروع شد تاکنون شورای همکاری در اجلاس خود از ادعای امارات حمایت کرده است. حتی این کشورها در گردهمایی‌های خود و از جمله در حاشیهٔ اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل و یا کنفرانس غیر متعهدها حمایت خود را اعلام کرده‌اند(جعفری ولدانی،۱۳۷۶: ۵۶۱).

جزایر تنب و ابوموسی به علت واقع شدن در نزدیکی تنگه هرمز اهمیت استراتژیک دارند. تمام صادرات نفت ایران و ۸۰ درصد تجارت خارجی کشورمان از طریق خلیج فارس و تنگهٔ هرمز انجام می‌شود لذا تنب و ابوموسی از جهت کشتیرانی بین‌المللی، حمایت از صادرات نفتی ایران و تجارت خارجی اهمیت حیاتی دارد.

بنابراین تا زمانی که امارات از ادعای خود دست بر ندارد این اختلافات به عنوان یک عامل چالش بین ایران و کشورهای جنوبی خلیج فارس خواهد بود، البته این محقق نمی‌شود مگر اینکه کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از حمایت خود از امارات دست بردارند. (ضرغامی،۱۳۹۰: ۴۰)

۵-نتیجه گیری

امارات متحده عربی از گذشته های دور درگیر یک جدل سرزمینی جدی با ایران بر سر جزایر سه گانه ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک بوده و هست. البته به دلیل ضعف نظامی این کشور در مقایسه با ایران، امارات هیچگاه در اندیشه تقابل نظامی با ایران (بر سر حاکمیت جزایر سه گانه) نبوده و تلاش کرده تا این موضوع را از طریق نهادهای بین المللی پیگیری کند. از سوی دیگربا وقوع انقلاب اسلامی ایران در سیاستهای منطقه ای خود، تکیه بر نیروی نظامی و سیاست وابستگی به غرب را کنار گذاشت. این تغییرات موجب تغییر دیدگاه های ایران در مورد امنیت منطقه خلیج فارس شد. تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران در تامین امنیت خلیج فارس مخالفت با هرگونه حضور نیروهای فرامنطقه ای در آن و حمایت از همکاری های امنیتی منطقه ای است.این موضوع به ویژه در مخالفت با حضور آمریکا در منطقه تحقق می پذیرد ایران همواره اتکا به خود و منطقه گرایی تاکید کرده و امیدوار بود از طریق استراتژی همکاری با شورای همکاری خلیج فارس موجب کاهش وابستگی خارجی شورا و اتکای ان به خارج و به ویژه به امریکا شود. اما شکل گیری بحران روابط ایران و امارات بر سر جزایر سه گانه ایرانی در اوریل و اوت ۱۹۹۲ و پیمان های نظامی امنیتی همسایگان ایران با آمریکا ضربه ای بر تلاشهای همگرایانه امنیتی ایران به شمار می رفت. هدف سیاست خارجی ایران و راهبرد تسلیحاتی آن مبتنی بر دو هدف یعنی ایجاد امنیت ملی و منطقه ای و توسعه بوده است. از سوی دیگر تنظیم این اهداف همواره تحت تاثیر واقعیت های ژئوپلیتیک و جهت گیری های ایدئولوژیک است و همواره سعی بر آن است که با یکدیگر در تعادل باشند.بنابراین با توجه به این شرایط راهبرد تسلیحاتی ایران دفاعی و نه تهاجمی تنظیم شده است.

از ابتدای دهه ۱۹۹۰م، سران شورای همکاری در بیانیه های اجلاس سالانه خود بر تعلق جزایر سه گانه (ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک) به امارات متحده عربی تأکید و نسبت به حاکمیت ایران بر این جزایر اعتراض داشتند. این در حالی است که ایران این جزایر را جزء لاینفک قلمرو سرزمینی و حاکمیت خود میداند و اقدام شورای همکاری را خلاف قوانین بین-المللی و حسن همجواری میداند؛ ایران با نگرش به اینکه دشمن اصلی جهان اسلام، رژیم اشغال گر قدس است، مخالف روند صلح اعراب و اسرائیل در این دوره بود؛ ایران با نگرش به اینکه امنیت منطقه ای خلیج فارس باید به دست دولتهای محلی خلیج فارس ایجاد و تأمین شود، مخالف هرگونه دخالت و حضور قدرتهای فرامنطقه ای در خلیج فارس است. این در حالی بود که حمله عراق به کویت، زمینه افزایش بی سابقه حضور نظامی ایالات متحده در خلیج فارس را فراهم کرد. این حضور بی سابقه، با حمایت کشورهای عضو شورای همکاری و با در اختیار قرار دادن برخی از فضای کشورهای عضو به نیروهای نظامی ایالات متحده تسهیل و تشدید شد.

منابع

۱- ابراهیمی فر ، طاهره ،(۱۳۸۱)، الگوهای اعتماد سازی در منطقه خلیج فارس ، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی ،
۲- اسدی، بیژن (۱۳۸۱)، خلیج فارس و مسائل آن، ، سمت،
۳- الهی، همایون،(۱۳۸۶)، خلیج فارس و مسایل آن، قومس
۴- جعفری ولدانی ، اصغر ،(۱۳۸۸)، چالش ها و منازعات در خاورمیانه ، پژوهشکده مطالعات راهبردی
۵-جعفری ولدانی، اصغر،(۱۳۸۲)، روابط خارجی ایران، انتشارات آوای نور، چاپ اول
۶- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۷۶)، نگاهی تاریخی به جزایر تنب و ابوموسی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه
۷- جعفری ولدانی، اصغر،(۱۳۶۴)، روابط عراق با کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
۳۲- حافظ نیا، محمدرضا و کاویانی راد، مراد(۱۳۸۳) ، افق های جدید در جغرافیای سیاسی ، سمت
۸- حافظ نیا، محمد رضا،(۱۳۷۱)،خلیج فارس و نقش استراتژیک تنگه هرمز، سمت
۹- ضرغامی، ابراهیم، (۱۳۹۰)، ریشه‌ها و کانون‌های بحران در خلیج فارس، ماهنامه مرکز مطالعات نظامی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سال ۱۲، شماره ۱۲۲
۱۰- مجتهد زاده، پیروز،(۱۳۷۶) روابط ایران با اعراب خلیج فارس در پرتو ادا نیست به جزایر تنب ابوموسی فصلنامۀ خاورمیانه، سال چهارم، شمارۀ ۱
۱۱- مجتهد زاده،پیروز، ترجمه سیمین مجتهدزاده ۱۳۷۸، امنیت منطقه ای در خلیج فارس، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره۱۴۵
۱۲-هرسیچ، حسین و دیگران، (۱۳۹۳» ،(روابط کشورهای عرب منطقه خلیجفارس و ایران از منظر منطقهگرایی»، سیاست دفاعی، سال ۲۲ ،شماره ۸۸ ،صص ۹-۳۸.

-marschall, christen ;irans Persian gulf policy from Khomeini to khatami routledge cuizon 2003
-Mojtahed-zadeh, pirooz, 2016 – Abu phabi's claims on three Iranian islands all instrument of building a UAE identity, Geopolitic & guarterly, No 4.p: 4
20-Reinicke, wolfagan, 1994, cooperative security and the political economy at nonproliferation, Washington, the negie endownment publication.
.Guardian (2013), Iran's foreign minister Javad Zarif to meet John Kerry at UN, In:
Kechichian, J.A. (1990), The Gulf Cooperation Council and the Gulf War, in: The Persian Gulf War: Lessons for Strategy, Law, and Diplomacy, Edited by Christopher C Joyner, Greenwood Press
.Louer, L. (2012), Transnational Shia Politics: Religious and Political Networks in the Gulf, Hurst Publishers.